



۵۰۰۰ سال تاریخ تمدن در ایران

پیش گفتار

پیش گفتار برای آن عده از علاقه مندان پژوهش‌های تاریخی و عزیزانی نوشته شده است که از سر ناآگاهی روی داده‌های تاریخی و پژوهش‌های فرهنگی را چنانچه باب طبع و میل آن‌ها نباشد، مخرب، دروغ، تهمت‌زا، نژاد پرستی و هتک حرمت به نژادها می‌دانند. برای جلوگیری از چنین برداشت‌های ناآگاهانه و غیرمنطقی پیشنهاد می‌شود به جای برخورد مقطعی و انفرادی با یک بخش از این پژوهش تاریخی، به تمام بخش‌های آن توجه شده و تمام متن از ابتدا تا انتها پی‌گیری شود.

(فراموش نکنیم! برابر اسناد و مدارک تاریخی که در پایان هر یک از بخش‌ها به منابع علمی آن اشاره شده است، ترکان باز مانده از نژاد زرد و فرزندان ناخلف چنگیز، تیمور و هلاکو به علت رفتارهای فردی و ساختارهای فرهنگی، قومی و قبیله‌ای خود، از آلودگی‌های اخلاقی و رفتاری بسیار زشت و ناپسند برخوردار بودند که در هر فرهنگ و آیینی مطرود و نفرین شده است. اگر در گزارش "۵۰۰۰ سال تاریخ تمدن ایران" به ویژه‌گی‌های اجتماعی و اخلاقی ترکان

اشاره می‌شود، منظور ترکان بیابان گرد و وحشی از نژاد زرد هستند که جز قتل، غارت و پراکندن تخم فساد در آن قرن‌ها کار دیگری نداشتند و در پناه همان بی‌رحمی‌ها و قتل‌عام‌ها در گوشه و کنار گستره پهناور ایران زمین از آغاز قرن سوم تا قرن‌ها بعد با بی‌داد حکومت کردند و جز ویرانی و قتل‌عام و فساد چیزی از خود باقی نگذاشتند. ترکان آل افراسیاب، تاتار، غز، تغز، قفچار و از این گروه هستند. **در این گزارش تاریخی به هیچ روی فرودستی و یا بالادستی نژادی و قومی ایرانی و غیرایرانی مورد نظر نیست و هر قوم و قبیله و نژادی که ناسازگار با قراردادهای اجتماعی و ستیزه‌جو با حقوق انسان‌ها باشد، می‌تواند نا به کار، شرور، ستمگر و فاسد باشد. در قضاوت‌های تاریخی، نژادهای آریایی، سامی، ترک، کرد، بلوچ، ژرمن، هون، زرد، سرخ، سفید و سیاه هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند و هر نژادی چنان چه به هرزه‌گی، فساد، بی‌عدالتی، ستم‌گری و تجاوز به حقوق انسان‌ها آلوده شود، از نگاه تاریخ که عادلانه‌ترین پنجره به سوی روشن شدن حقیقت است، به محاکمه کشیده می‌شود. بنابراین اگر اشاره می‌شود که ترکان سلجوقی و یا هر یک از نژادهای دیگرترک دارای آن ویژه‌گی‌های ضد اخلاقی، ضد انسانی و همجنس‌بازی بودند، این موضوع هرگز به معنای**

نژاد پرستی و یا محکوم نمودن نژاد ترک نیست، زیرا همین موضوع ممکن است در بین نژادهای سفید، سیاه و یا سرخ هم به فراوانی وجود داشته باشد. فراموش نکنیم برابر اسناد تاریخی در بین نژاد سیاه، قوم و قبیله‌هایی بودند که هم نوعان خود را می‌خوردند. و یا در بین برخی از قبیله‌های سرخ‌پوستان آمریکایی، تیره‌هایی بودند که آدم‌کشی، خون‌ریزی و آدم‌خواری در بین آن‌ها پدیده‌ای بسیار پیش پا افتاده و آسان بود. مگر همین سفید پوستان به گواهی تاریخ و فرهنگ گذشته و معاصر عامل فجایع بی‌شمار انسانی در سرتا سر گیتی نبوده‌اند؟ این قتل‌عام‌های بی‌شمار، تجاوز، ستم‌گری، آدم‌کشی و آدم‌سوزی‌های میلیونی توسط چه نژادی جز نژاد سفید انجام شده است. مگر شخصیت بیمارگونه، دیکتاتور و نژادپرستی مانند هیتلر از نژاد خالص سفید نبود؟! اگر هیتلر در این مورد ویژه مقصر شناخته شده و محکوم شود، آیا نژاد پرستی علیه نژاد سفید صورت گرفته است؟ ناآگاهی از مسایل تاریخی، قومی، نژادی و انسانی در دسرهای بی‌شماری برای ما ایجاد خواهد کرد. در شماره‌های آینده درباره ترک‌های ایرانی (آذری‌ها) که هرگز ترک نبوده‌اند و نیستند مطالب تازه‌تری خواهیم داشت.



بدون تردید اگر خردورزان، دانشمندان، فلاسفه، حکما، دین داران و فقیهان بزرگ ایرانی نبودند، امروز زبان عربی و دین اسلام یا وجود خارجی نداشت و یاد سرزمینی به نام حجاز محصور شده بود

ادامه از شماره قبل

از آغاز قرن سوم تا پایان قرن چهارم هجری که به راستی قرن تجدید حیات زبان و ادب فارسی جدید به شمار می‌رود جز از بزرگانی که نام بردیم، شاعری مشهور دیده نمی‌شود و اگر هم وجود داشته است در گمنامی مرده است. بسیاری از شاعران این دوره ذواللسان نام داشته‌اند. یعنی هم به فارسی و هم به عربی شعر می‌سروده‌اند و در فن بیان و عروض و قافیه و دیگر فنون شعر و نثر آگاهی کاملی داشته‌اند. و از شاعران دیگر این دوره عبارتند از:

فروخی سیستانی، ابوالهیثم، لبیبی، زینبی علوی، منشوری، غزنوی رازی، مخلدی کرگانی، عنصری، عسجدی، بهرامی سرخسی، بزرجمهر قاینی، مسرور طالقانی، منوچهری دامغانی، عطاردی، بالیث طبری، کلینی رازی

استفاده دانش‌پژوهان قرار گرفته‌اند. حتا امروز نیز، مستندترین، علمی‌ترین، معتبرترین و ارزشمندترین کتاب‌های باقی‌مانده از تاریخ تمدن و فرهنگ و زبان و ادبیات و علوم باستان، همان آثاری هستند که در این دوران تدوین شده‌اند. **نثر این دوره** بسیار ساده و بی‌تکلف و روان و خالی از واژه‌گان بی‌کانه است. نثر مستقل این دوره به علت دوری از مدیحه‌سرایی و مدافعه و عدم وابستگی نویسنده به پاداش و جایزه مقامات حکومتی، بسیار دل‌نشین و آموزنده است. هنوز نویسندگان این دوره به مسابقه‌ی استفاده بیش‌تر از واژه‌گان عربی در نوشته‌هایشان که در دوره‌های بعدی نوعی فخرفروشی محسوب می‌گردد، گرفتار نشده‌اند. نکته‌ای بسیار مهم که باید مورد توجه پژوهش‌گران قرار گیرد این است که در این دوره استفاده از لغات عربی در شعر چندین مرتبه بیش‌تر از نثر است و در دوره‌های بعدی و حتا تا همین امروز نیز این شیوه ادامه دارد. با گذشت زمان واژه‌گان زیبای پارسی دری به فراموشی سپرده شدند و واژه‌گان عربی و ترکی و مغولی و از قرن ۱۹ میلادی، واژه‌گان اروپایی جای بسیاری از آن واژه‌گان زیبا را گرفتند. از داستان‌ها و کتاب‌های گمنام و غیر مشهوری که در سده‌های نخستین پس از یورش عرب‌ها به نگارش درآمده‌اند می‌گذریم و به نامی‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم. از جمله‌ی قدیم‌ترین کتاب‌هایی که به نثر پارسی در سده چهارم و سده‌های بعد از آن به نگارش درآمده‌اند، شاهنامه‌های مختلف می‌باشند که از نثر پهلوی به زبان پارسی و یا تازی ترجمه شده‌اند، مانند: شاهنامه‌ی ابوالمؤید بلخی، شاهنامه‌ی ابوعلی

نویسنده کتاب مشهور کافی در فقه و حدیث و علم کلام شیعه‌ی امامیه به زبان عربی) امینی نجار بلخی، روزبه نکتی، عیوقی، ابوسعید ابوالخیر، ماهوی خورشید، ماخ پیر خراسان، یزدان داد پسر شاپور، شادان پسر برزین، آزاد سرو، محمد بن عبدالله المعمری و..... **بیش‌تر شاعران** این دوره و حتا دوره‌های بعدی و به ویژه آنان که در دستگاه پادشاهان و امیران حضور داشته‌اند و یا از حقوق و مواجب حکومتی استفاده می‌کرده‌اند به ناچار مداح اربابان خود بوده‌اند و آن دسته از شاعرانی هم که از استغنای طبع برخوردار بوده و نخواستند از راه چاپلوسی و مدافعه و مداحی و تعریف و تمجید نان بخورند، یا گمنام مانده‌اند، یا مورد اذیت و آزار حاکمان و وابسته‌گان آن‌ها قرار گرفته و یا با نام مستعار و به نام دیگران آثاری از خود برجای گذاشته‌اند. **از عصر سامانیان** به بعد نثر نیز همانند شعر دچار تحولی چشمگیر می‌شود و خردورزان و نویسندگان بزرگی که به دو زبان پارسی و تازی تسلط کامل دارند آثار استادانه‌ای از خود باقی گذاشته‌اند که تأثیر فراوانی بر آینده ادبیات ایران می‌گذارد. حکمت، فلسفه، علوم ریاضی، نجوم، منطق، پزشکی، هندسه، علوم الهی، فقه، کلام، حدیث و بسیاری علوم دیگر از موضوع‌های رایج نوشته‌های این دوره است و کتاب‌های تدوین شده در این عصر درخشان، قرن‌ها به عنوان کتاب‌های مأخذ و مرجع مراکز بزرگ علمی آن زمان مانند مدرسه‌های بزرگ علمی (دانشگاه) بغداد، مصر، دمشق، آندلس، ری، ماوراءالنهر (قرارود)، خراسان، نیشابور، قسطنطنیه و بعدها مراکز علمی اروپا، مورد



تاریخ عادلانه‌ترین پنجره به سوی روشن شدن حقیقت است



محمد بن احمد بلخی، شاهنامه‌ی ابومنصوری و کتاب‌هایی مانند: اخبار فرامرز، اخبار بهمن، گرشاسپ‌نامه، اخبار سام، اخبار نریمان، اخبار کی‌قباد که بعدها از نثر به شعر درآمدند. و همچنین آثار دیگری مانند: رساله‌ای در فقه حنفی، عجایب البلدان (ابوالمؤید بلخی)، تاریخ بلعمی (ترجمه‌ی تاریخ طبری)، ترجمه‌ی تفسیر طبری (محمد جریر طبری)، البارع (درباره نجوم - ابونصر حسن بن علی منجم قمی)، هدیه‌المتعلمین فی الطب (درباره علم

ابن العمید ابوالفضل محمد بن حسین، ابوعلی احمد بن اسماعیل بن عبدالله قمی، ابوالقاسم اسمعیل بن عباد طالقانی، ابوبکر محمد بن عباس خوارزمی، احمد بن حسین همدانی، (بدیع الزمان همدانی) شمس‌المعالی قابوس بن زیار دیلمی (پادشاه آل‌زیار)، ابونصر محمد بن عبدالجبار عتبی، ابومنصور عبدالملک بن محمد ثعالبی نیشابوری، ابوجحان التوحیدی، علی بن محمد بن العباس، ابوالفرج علی بن الحسین اصفهانی، ابن

پزشکی - ابوبکر حکیم ربیع بن احمد جوینی بخاری، حدود العالم من المشرق و الی المغرب (درباره جغرافیای جهان)، نورالعلوم (عرفان - شیخ ابوالحسن خرقانی)، الابنیه عن حقایق الادویه (خاصیت داروها - ابومنصور موفق بن علی الهروی)، دانش‌نامه‌ی علایی (منطق و طبیعیات - شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا)، رساله‌ی نبض (کیفیت آفرینش عناصر هستی - ابوعلی سینا)، معراج‌نامه (شریعت و عروج به ملکوت اعلا - ابوعلی سینا)، ظفرنامه (منسوب به ابوعلی سینا)، حکمت‌الموت (ابوعلی سینا)، رساله‌ی نفس (مزاج‌ها و طبایع بشری)، المیداء المعاد، اثبات النبوه، علل تسلسل موجودات، قراضه‌الطبیعیات، رساله‌ی جودیه، معیار العقول (در علم جرتقیل)، رساله‌ای در منطق، رساله‌ی عشق، رساله‌ی اکسیر، رساله‌ای در اقسام نفوس، فی تشریح الاعضاء، رساله‌ی معرفت سموم، حل مشکلات معینه (همه‌گی منسوب به ابوعلی سینا)، التعریف المذهب التصوف (ابوبکر بن ابواسحق محمد بن ابراهیم بن یعقوب بخاری کلاباذی)، التفهیم لاولل صناعه‌التنجیم (نجوم، هندسه و علوم ریاضی - ابوریحان بیرونی)، (ترجمه‌ی شرح رساله‌ی حی بن یقضان درباره عرفان و عقل فعال آدمی و رسیدن به عالم معنی که اثر مشهور شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا است و "حی بن یقضان" تمثیلی است از عقل فعال آدمی - ۴۲۰ هجری) شش فصل، رساله‌ی استخراج (درباره اُسطرلاب و نجوم - ابوجعفر محمد بن ایوب حاسب طبری)، تاریخ سیستان (دو قسمت است که توسط دو نویسنده گمنام در سال‌های ۴۴۴ و ۷۲۵ هجری تألیف شده است)، کشف‌المحجوب (درباره اسماعیلیان - ابویعقوب اسحاق بن احمد سگزی اواخر قرن چهارم هجری)، رسائل (ابونصر منصور بن مشکان - ۴۰۱ هجری)، زین‌الاجبار (تاریخ - ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود یزدگردی غزنوی - ۴۴۰ هجری)، قصص الانبیا (اسحاق بن ابراهیم بن منصور بن خلف نیشابوری - اواسط قرن پنجم هجری) و بسیاری نویسنده دیگر، از ویژه‌گی‌های مهم این عصر است. در این دوره تسلط کامل شعرا و نویسندگان به دو زبان فارسی و عربی باعث شده است تا بسیاری از نوشته‌های علمی، اجتماعی، سیاسی و ادبی نویسنده‌گان بزرگ به زبان عربی باشد. از طرفی دانستن زبان عربی و نگارش با آن زبان نوعی فخر فروشی حکیمانه محسوب می‌شد، همان‌گونه که دانستن و نگارش به زبان انگلیسی و یا زبان‌های دیگر اروپایی به‌ویژه بعد از انقلاب مشروطه در ایران نیز همین حالت را داشت.

الندیم، ابوهلال العسکری، ابوعبدالله حمزه بن الحسن اصفهانی، ابوعلی مسکویه که علاوه بر زبان عربی به زبان فارسی نیز تسلط کامل داشته‌اند، اما به دلیلی که پیش‌تر گفته شد، برخی از آنان ترجیح می‌داده‌اند که آثار خود را به زبان عربی به نگارش درآورند. نفوذ قوم مهاجم و زبان تازی به زیرساخت‌های فکری و فرهنگی ایران به حدی است که حتا اسامی زیبای فارسی فراموش شده و اسم‌های عربی جای‌گزین می‌گردند.

شعر فارسی از قرن پنجم هجری به بعد

سبک شعر در قرن پنجم و ششم راه تکامل خود را می‌پیماید و بیش‌تر شاعران این دوره به دلیل وابسته‌گی خود به مقام‌های مملکتی و حکومتی و دولت‌مردان از وضعیت بسیار خوب مالی برخوردار هستند و در ردیف طبقه‌های بالا و راحت اجتماع به شمار می‌روند. یکی دیگر از ویژه‌گی‌های شعر در قرن پنجم و ششم، حضور شاعران و شعر فارسی در دربار پادشاهان و امیران بود و حتا برخی از آنان شعر می‌سرودند و در دستگاه خود از شاعران زیادی پذیرایی می‌کردند که این موضوع باعث گسترش زبان و ادب فارسی گردید و گروه‌های بیش‌تری به این کار علاقه‌مند شدند.

مشهورترین شاعران قرن پنجم و ششم هجری عبارتند از:

فخرالدین اسعد گرگانی، بابا طاهر عریان، اسدی طوسی و ناصر خسرو (قرن پنجم)، مسعود سعد سلمان، خیام، سنایی، رشید و طواط، انوری، جمال‌الدین اصفهانی، ظهیر فاریابی و خاقانی شروانی (قرن ششم)، نظامی گنجوی (درگذشت ۶۱۴ هجری)، عطار نیشابوری (درگذشت ۶۲۷ هجری مقتول به دست يك مغول)، و ده‌ها شاعر مشهور و غیر مشهور دیگر....

در قرن پنجم و ششم و آغاز قرن هفتم هجری نگارش نیز مانند شعر گسترش روزافزونی داشت و دانشمندان فراوانی در زمینه‌ی نثر قلم زده‌اند و آثار ارزنده‌ای از خود بر جای گذارده‌اند:

۱. خواجه ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی، پدید آورنده تاریخ بیهقی
۲. ابوالحسن هجویری، پدید آورنده کشف‌المحجوب
۳. ناصر خسرو، پدید آورنده زاد‌المسافرین، سفرنامه و....
۴. امیر عنصر‌المعالی وشمگیر بن زیار، پدید آورنده قابوس‌نامه
۵. امیر منصور طوسی، پدید آورنده لغت فرس

در بین شعرا و نویسندگان این دوره گروهی به زبان تازی بیش‌تر از زبان پارسی تسلط داشته‌اند و به همین سبب کلیه‌ی آثار آنان به زبان تازی می‌باشد. مشهورترین این عربی‌گویان و عربی‌نویسان عبارتند از:



تازی به زبان پارسی

۱۲. ابوبکر محمد ترشخی، پدید آورنده تاریخ بخارا

۱۴. نظامی عروضی، پدید آورنده چهار مقاله و....

۱۵. شیخ شهاب‌الدین سهروردی، پدید آورنده آثار فراوانی در عرفان و فلسفه. یحیی بن حبش بن امیرک ملقب به "شهاب‌الدین" و مشهور به "شیخ اشراق" و معروف به "شیخ مقتول" که نام علمی او "ابوالفتوح" می‌باشد در سال ۵۴۹ هجری در سهرورد متولد شد و در سال ۵۸۷ هجری به جرم اندیشمندی و خردورزی و با تحریک برخی از علما و فقهای اسلامی که زبان عقل، منطق، دانش و حکمت وی را نمی‌فهمیدند، به جرم کفر و الحاد در سن ۲۸ سالگی اعدام شد. شیخ شهاب‌الدین سهروردی از معدود خردورزان و دانشمندان ایرانی است که در سن جوانی به مقام شیخیت در حکمت، فلسفه، فقه و علوم الهی رسیده است. وی به راستی پدید آورنده حکمت اشراق است و به همین سبب وی را "شیخ اشراق" نامیده‌اند. شیخ از همان سنین جوانی به برکت هوش سرشار سرآمد بسیاری از فرازهای علوم عقلانی و الهی عصر خود شد و به زودی مورد حسادت و نفرت نادانان و بی‌سوادان قرار گرفت.

خردورزی و دانشمندی شیخ سبب گردید که بسیاری از باورها و اعتقادات کهن عقلانی، فلسفی، حکمتی و دینی را با نگاهی نوین و جلوتر از زمانه‌ی خود بنگرد و همین امر سبب کینه‌توزی‌های فراوان اطرافیان نسبت به شیخ شد. شیخ سهرورد به دو زبان فارسی و عربی آن‌چنان تسلط داشت که برایش تفاوتی نمی‌کرد که اثری را به زبان فارسی پدید آورد و یا به زبان عربی. به همین علت بسیاری از آثار برجسته‌ی شیخ به دو زبان فارسی و عربی به نگارش درآمده‌اند:

منطق التلویحات، کتاب التلویحات، کتاب المقاومات، المشارع و المطارحات، حکمت اشراق (حکمة الاشراق)، رساله فی اعتقاد الحکما، قصة الغرب الغریبه، آواز پر جبرئیل، صفیر سی‌مرغ، رساله العشق، لغت موران، ترجمه و تفسیر "رسالة الطیر" ابن سینا، المبدء و المعاد، اللمحات، الهیا کل النوریه، طوارق الانوار، عقل سرخ، پرتونامه، روزی با جماعت صوفیان، الالواح العمدیة، البارقات الاهیة، لوامع الانوار، و...

شیخ شهاب‌الدین سهروردی پدید آورنده فلسفه‌ی نوینی است که از باورها، اصول و فلسفه‌های مهمی مانند: فلسفه‌ی یونان، حکمت افلاطون، باورهای نو افلاطونیان، اصول عقاید و حکمت ایران باستان (فهلویون) و فرآورده‌های دین زرتشت، تشکیل شده و به همین سبب به "حکمت اشراق" معروف گردیده است.

بسیاری از حکما، فلاسفه و دانشمندان بعد از شیخ شهاب‌الدین، به



۶. نظام‌الملک، پدید آورنده آثار زیادی در علم سیاست و مدیریت

۷. خواجه‌عبدالله انصاری، پدید آورنده آثاری در عرفان

۸. حکیم عمر خیام، پدید آورنده آثاری در فلسفه و علوم ریاضی

۹. امام محمد غزالی، پدید آورنده آثار فراوانی در فقه و اصول و کلام و شریعت و فلسفه و حکمت

۱۰. امام احمد غزالی، پدید آورنده آثاری در فقه و اصول و کلام و فلسفه

۱۱. عین‌القضات همدانی، پدید آورنده آثاری در عرفان و فلسفه و اصول

مذهب. وی در سن ۲۲ سالگی و با دریایی از علم و حکمت و فلسفه به

حکم متشرعین و متعصبان مذهبی به جرم دگراندیشی، آزاده‌گی، کفر و

الحاد به دار کشیده شد. ابوالعالی عبدالله بن محمد بن علی میانجی

همدانی از بزرگان مشایخ صوفیه و دانشمندان نیمه اول قرن ششم

هجری است. وی شافعی بود و در فلسفه و کلام و طریقت از پیروان امام

احمد غزالی به شمار می‌رفت و به دلیل مطالعه‌ی بیش از اندازه آثار امام

محمد غزالی از شاگردان او نیز محسوب می‌شود. پژوهش و مطالعه‌ی

آثار بزرگان علم، اندیشه و خرد باعث شد تا "عین‌القضات" در سنین

جوانی به درجه‌ای از علم و دانش برسد که بسیاری از هم‌عصران او

نسبت به وی بخل بورزند. ابوالقاسم درگزینی وزیر سلطان محمود بن

محمد و وزیر سلطان سنجر که در مخالفت با اندیشمندان و خردورزان

مشهور بود در گروه کسانی قرار داشت که نسبت به دانش و خردورزی

جوانی دانشمند به نام "عین‌القضات" حسادت می‌ورزید. این وزیر بی‌خرد

که بسیاری از دانشمندان نامی دوران وزارت خود را به حسادت به زندان

افکنده و یا به قتل رسانیده بود، با "عین‌القضات" نیز سر ناسازگاری

کذاشت. گروهی از ابلهان و بی‌خردان زمانه به تحریک ابوالقاسم درگزینی

علیه "عین‌القضات" جوان سر به شورش برداشتند و او را به کفر،

بددینی، بی‌دینی و الحاد متهم نمودند و برخی از فقهای نادان و کهنه‌پرست

نیز به سفارش وزیر سلطان سنجر با مردم تحریک شده هم‌داستان شده

و فتوای قتل جوان دانشمند را صادر کردند. عین‌القضات به زندان‌های

بغداد افتاد و سپس او را به همدان برگرداندند و سرانجام در شب هفتم

جمادی آخر سال ۵۲۵ هجری در سن ۲۲ سالگی او را بر دار کشیدند.

۱۲. نصرالله بن محمد بن عبدالحمید منشی، مترجم کلیله و دمنه از زبان

عین‌القضات همدانی، بزرگ‌ترین حکیم
فلسوف و دانشمند نیمه نخست قرن ششم هجری که در
علم، حکمت، فلسفه، عرفان و اصول مذهب اسلام سرآمد
بزرگان این عصر بود. در سن ۲۲ سالگی و در عنوان
جوانی، خردورزی و دانشمندی با فتوای گروهی از فقهای
تعلمی شده از سوی خلفای بغداد به
دار آویخته شد!



شیخ شهاب‌الدین سهروردی
 مشهور به شیخ اشراق، حکیم، فیلسوف، دانشمند و عارف بزرگ و بی‌مانند ایرانی نیمه‌ی دوم قرن ششم هجری که درس جوانی به‌مقام شیخیت رسیده بود، به جرم خردورزی و داشتن دانش برتر و علم بیش‌تر از کسانی که نمی‌توانستند او را تحمل کنند به اتهام کفر و الحاد و بی‌دینی در سن ۳۸ سالگی اعدام شد.

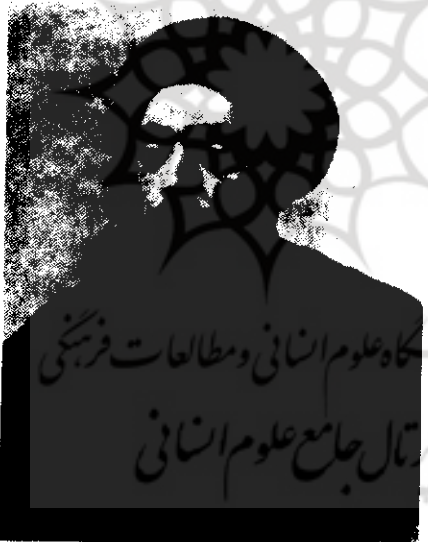
یا منزل نهم زندگی می‌کند پدید آمده و تبدیل به عقل، خرد و اندیشه‌ی او شده است. یعنی نور نهم "معقولات" بشر را در بر گرفته است. انوار (نورهای) نه‌گانه‌ی موردنظر شیخ شهاب‌الدین سهروردی با آن نور آغازین، مبداء و زیرساخت همه‌ی پدیده‌ها که "نورالانوار" نام دارد به انوار ده‌گانه مشهور است. یعنی ده نور برتر و والا‌تر.

حکیم ابونصر فارابی (۲۶۰-۳۳۹ هجری) مشهور به "معلم ثانی"^۱ و شیخ رئیس ابوعلی سینا (۴۲۸-۳۷۰ هجری) انوار ده‌گانه‌ی موردنظر شیخ شهاب‌الدین سهروردی را "عقول عشره" (عقل‌های ده‌گانه) نامیده و تمام آن انوار را وابسته به فیض الهی دانسته و آخرین آن‌ها را عقل فعال نام نهاده‌اند. بنابراین این دو فیلسوف نامی ایرانی به راه شیخ بزرگ‌رفته‌اند و حکمت او را به عنوان زیرساخت هستی پذیرفته‌اند. از نظر شیخ سهروردی نور عرضی یعنی: روشنی‌های محسوس مانند آفتاب، آتش، نور ستاره‌گان.

ظلمت عرضی یعنی: چیزهایی که بر اجسام عارض و اضافه می‌شوند مثل: رنگ، طعم، بو، سبکی، سنگینی و

ظلمت جوهری یعنی: اجسام و اشیایی که قابل اشاره هستند و شیخ آن‌ها را "برزخ" نام نهاده است.

- ۱۶. سعدالدین رواینی، پدید آورنده مرزبان‌نامه
- ۱۷. فرامرز کاتب‌الارجانی، پدید آورنده سملک‌عیار
- ۱۸. عطار نیشابوری، پدید آورنده تذکره‌ی اولیاء و
- ۱۹. عوفی، پدید آورنده لباب‌الالباب و



کتابخانه علم‌انسانی و مطالعات فرهنگی
 کتاب جامع علوم انسانی

راه او رفتند و فلسفه‌ی وی را مورد تأیید قرار دادند. قطب‌الدین شیرازی، صدرالدین شیرازی و ملاحده‌ی سبزواری و ده‌ها حکیم دیگر فلسفه‌ی اشراق را به تفسیر نشستند و آن را تأیید کردند. شیخ بزرگ اعتقاد داشت که تمام باورهایش فقط زاده فکر و اندیشه‌اش نیستند، بلکه بر اثر ریاضت فراوان، راهنمایی‌های ذوق و تجربه‌های سخت به دست آمده‌اند. شیخ می‌گفت، که فلسفه‌اش فقط از راه استدلال و برهان و تعبیر و تفسیر به دست نیامده است، باورهای او عینی هستند و با مشاهده حاصل شده‌اند. بنابراین از فراز حقیقت گذشته و به واقعیت رسیده‌اند و باشک و تردید از بین نمی‌روند. شیخ عقیده داشت که باورهایش از راهی به دست آمده‌اند که تمام سالکان راه حق پیموده‌اند و او و آنان به یاری ذوق به حل و فصل بسیاری از مشکلات توفیق یافته‌اند. شیخ مقام بسیار والا و ارجمندی را برای "افلاطون" قائل است و او را به نام "امام الحکمه" (امام حکمت) معرفی می‌کند.

شیخ سهروردی اصالت ماهیتی است. یعنی باورهایش بر زیرساخت‌های "اصالت ماهیت" استوار است. وجود از نظر شیخ امری عقلانی و اعتباری است و ماهیت اصل، مبداء و زیرساخت تمام عالم. ماهیتی را که شیخ به آن اعتقاد دارد و وجود همه‌ی عالم به وجود او وابسته است، چهار قسم است:

۱. نور
 ۲. ظلمت
 ۳. جوهر (ذات - اصل - زیرساخت - جاودانی)
 ۴. عرض (ظاهر - فناپذیر - رو بنا)
- یعنی یا نور است و یا ظلمت. اگر نور باشد یا جوهر است یا عرض. اگر ظلمت باشد نیز یا جوهر است یا عرض.
- شیخ نور جوهری را شامل نفوس و عقول می‌داند (انوار اسفهدی). به باور شیخ نور جوهری مرحله و مراتبی دارد که والا‌ترین آن "نورالانوار" است که "نور مقدس"، "نور محیط" "نور اعلی" و "نور اعظم" نیز نامیده می‌شود. سرآغاز و زیرساخت تمام نورها،

"نور اعظم" (بهمن). نور اقرب باعث به وجود آمدن "فلک الافلاک" که تمام کاینات است شده است. با به وجود آمدن کاینات نور دومی پدیدار گردیده و نور دوم فلک دیگری پدید آورده با توری دیگر. و آن نور سوم، فلک سومی را ایجاد کرده با نور سوم و که به همین ترتیب ادامه یافته تا به نور نهم و فلک نهم رسیده است که نور نهم، آخرین فلک است و کره زمین در فلک نهم قرار گرفته است. فلک نهم وقتی کره زمین باشد، نور آن نمی‌تواند سرگردان باشد، پس نور نهم در اندیشه و قلب انسان پرتوافشانی می‌کند و درک معقولات را برایش امکان‌پذیر می‌سازد. نور نهم در دل انسانی که در فلک نهم

۱. معلم اول فیلسوف بزرگ یونانی "ارسطو" است. ابونصر فارابی را به این سبب "معلم" ثانی نامیده‌اند که در شرح و تفسیر فلسفه‌ی ارسطو حرف اول آخر را زده و همیشه خود را شاگرد آن فیلسوف نابغه‌ی یونانی می‌دانست.



کتاب‌نامه‌ی ۵۰۰ سال تاریخ فرهنگ و تمدن ایران

۱. قابوس‌نامه - قابوس بن وشمگیر
۲. تاریخ حبیب‌السیر - میرخواند
۳. تاریخ جهان‌کشای جویی
۴. تاریخ طبرستان
۵. تاریخ مغول - عباس اقبال آشتیانی
۶. فرهنگ و تمدن ایران - محمود بختیاری
۷. هزار سال نثر پارسی - کریم کشاورز - ناشر سازمان کتاب‌های جیبی - تهران ۱۳۴۵
۸. دیوان‌های مختلف شاعران قرن سوم هجری به بعد
۹. ایران از آغاز تا اسلام - پروفیسور کیرشمن - ترجمه‌ی دکتر محمد معین
۱۰. تاریخ بیهقی - به کوشش: دکتر غنی - دکتر فیاض
۱۱. معجم البلدان - چاپ لایپزیک - کتابخانه‌ی ملی بریتانیا
۱۲. راحة الصدور راوندی - چاپ لیدن - کتابخانه‌ی ملی بریتانیا
۱۳. تاریخ دولت آل سلجوق - البنداری الاصفهانی
۱۴. مجموعه‌ی تاریخ ادبیات ایران - دکتر ذبیح‌الله صفا - انتشارات فردوس - چاپ چهاردهم - تهران ۱۳۷۸
۱۵. تاریخ معاصر ایران - پیتراوری (استاد دانشگاه کمبریج انگلستان) ترجمه‌ی محمد رفیعی مهرآبادی - انتشارات عطایی - تهران

قرن هفتم هجری قرن وحشتناک و هراس‌انگیز دیگری برای سرزمین رنج‌کشیده ایران است. در قرن هفتم یورش قوم وحشی دیگری از مهاجمان خون‌خوار تاریخ به نام قوم مغول از سال ۶۱۶ آغاز می‌شود و حدود ۲۰۰ سال در جنگ و گریز و وحشت ادامه می‌یابد. حاصل این یورش وحشیانه، سوختن، کشتن، قتل عام، ویران‌گری، دریدگی، درو کردن انسان‌ها، تجاوز به حقوق شهروندان و ایجاد ترس و هراس و پاشیده شدن تخم بداخلاقی و هرزه‌کی در فرهنگ ناب آریایی است. با هجوم سرداری وحشی به نام چنگیز مغول در سال ۶۱۶ هجری قمری به منصرفات خوارزم‌شاهیان، جلال‌الدین خوارزم‌شاه آخرین پادشاه این سلسله سرانجام شکست خورد و چنگیزخان بر خوارزم مسلط شد و تمام ساکنان آن دیار را قتل عام کرد و همه جا را ویران نمود و چون راه قتل و غارت را هموار و بدون مانع دید، راهی ایالت‌های مرکزی ایران شد و.....

قبل از یورش بی‌امان چنگیز به ایران، این مردخون‌آشام در سه نوبت پیایی سفیران و مشاوران سیاسی خود را در لباس کاروان‌های بزرگ بازرگانی و با هدایای بی‌شمار و گران‌قیمت به سوی علاءالدین محمد خوارزم‌شاه روانه کرد و از وی خواست که به بازرگانان چینی اجازه دهد که جهت خرید و فروش و کار بازرگانی به سرزمین خوارزم و ایران رفت و آمد کنند. علاءالدین، مغرور در پیروزی‌های پی در پی اعتنایی به درخواست‌های چنگیز نکرد و در هر سه نوبت تمام کاروانیان مغول را قتل عام نمود و اموال آنان را مصادره کرد. بدین ترتیب خشم چنگیز را برانگیخت و چنگیز در آغاز با ترس فراوان به حمله‌های آزاردهنده و کوچک دست زد و وقتی متوجه شد که امکان پیروزی وی بر خوارزم‌شاهیان وجود دارد، با سیلی از سپاهیان وحشی مغول به سوی ایران حمله کرد و ایران را چنان که می‌دانیم بسوخت و منهدم نمود.

و افزایش قدرت و حکومت‌های ملی و ایرانی شده‌اند. برخلاف این تصور، در تمامی سال‌های تسلط مستبدانه‌ی ترکان غز و سلجوقی و خوارزم‌شاهی و دیگر غلامان و اتابکان ترک، ایران هرگز روی آرامش ننید. سه قرن حکومت سنکین و نابخردانه‌ی این قوم بر ایران بعد از صفاریان و سامانیان، کلیه‌ی حکومت‌های ملی و ایرانی موجود منهدم شدند و راه برای یورش بی‌امان قومی به مراتب خون‌ریزتر، وحشی، بیابان‌گرد، بی‌سواد و ترسناک به نام قوم مغول فراهم شد. سرزمین ایران در دوره شوم تسلط مغولان دچار آن چنان بلای سهمناکی کردید که چندین قرن به درازا کشید، مردم بی‌گناه توسط این نژاد منحط بشری قتل عام و غارت شدند و تمام مراکز فکری، فرهنگی و ادبی آنان بسوخت و تاراج شد و تأثیر ویران‌گر آن تا چندین قرن دیگر نیز ادامه داشت.

بدون تردید علت اصلی یورش بی‌امان مغولان بیابان‌گرد و وحشی که از چنگیز خون‌خوار آغاز گردید و تا پایان حکومت تیموریان ادامه یافت ضعیف شدن حکومت مرکزی و نابودی ستاد اداری و فرماندهی نظامی ایران بود که با یورش عرب‌های کرسنه و بیابان‌گرد آغاز شد و به تراژدی سهمگین شکست ابرقدرت مطلق ساسانی انجامید و تا هفتصد سال دوره حکومت ضد فرهنگ، ضد علم، ضد دین و نژادپرستانه‌ی امویان و عباسیان ادامه یافت و ایران جولان‌گاه تاخت و تاز اقوام بیگانه شد و از آن تمدن درخشان و جهان‌گیر، جز اسکتی خرد و مسخ شده از فرهنگ‌های عرب‌ها و مغولان چیز دیگری بر جای نماند و آثار شوم آن نابخردی‌ها، نسل‌کشی‌ها، زشت‌رفتاری‌ها و فرهنگ‌ستیزی‌ها تا امروز نیز ادامه دارد.

به راستی اگر در میان آن اعراب پا برهنه و کرسنه، بیابان‌گرد و وحشی پیش از اسلام، مردی از تبار نور مطلق و پاکی به نام حضرت محمد (ص) ظهور نمی‌کرد و دینی الهی نمی‌آورد و نوید عدالت اجتماعی و پاکی و پرهیزکاری نمی‌داد، اعراب بادیه‌نشین چه چیزی داشتند که به تاریخ فرهنگ و تمدن کیتی هدیه کنند؟

بر خلاف گفته‌های مرسوم،
هیچ دیکتاتوری نتوانسته است برای درازمدت
روی داده‌های تاریخی را تحریف شده به نفع
خودش بر جای گذارد



**با خرید فقط یک شماره
از مجله‌ی مورد علاقه‌تان :**

۱. سطح دانش و آگاهی جامعه را افزایش دهید.
۲. از تعطیلی اجباری نشریات مستقل جلوگیری کنید.

بهداشت و روان (فصل نامه)

مدیر مسؤل و سردبیر:
دکتر حسین عسگری
معاون سردبیر: میترا رساطلب
تلفن: ۸۳۳۶۴۱۷

گرافیک (ماهنامه)

مدیر مسؤل و سردبیر:
نجم‌الدین فرخ‌یار
تلفن: ۸۸۱۱۰۵۴

شطرنج (ماهنامه)

مدیر مسؤل و سردبیر:
سید محمد کاظم مرتضوی
تلفن: ۶۴۰۵۱۱۸۵

علوم باطنی (فصل نامه)

مدیر مسؤل و سردبیر:
میترا صالح زاده
تلفن: ۲۸۶۶۳۴۸

فرهنگ و مردم (فصل نامه)

مدیر مسؤل و سردبیر:
سید احمد و کیلیان
تلفن: ۸۰۷۱۱۵۸

تکولوژی بتن (ماهنامه)

صاحب امتیاز: مصطفی احمدوند
مدیر مسؤل: مجتبی احمدوند
تلفن: ۸۷۹۰۹۱۲-۳

شکار و ماهی‌گیری (فصل نامه)

مدیر مسؤل: مهدی هروی
تلفن: ۷۵۲۳۳۸۰



۱۳۶۳

۱۶. تاریخ ایران باستان تا امروز (۶ مورخ) کرانتوسکی، داندامیو، آ. کاشلنکو، پتروشفسکی، م. ایوانوف، ک. بلوی ترجمه‌ی کیخسرو کشاورزی. انتشارات پویش - تهران
۱۷. تاریخ ایران - رابرت - کرنه واتسن - ترجمه‌ی وحید مازندرانی - انتشارات امیرکبیر - تهران ۱۳۴۸
۱۸. مجموعه‌ی بزرگ تاریخ ویل دورانت - ویل دورانت‌ها - ترجمه گروه مترجمین - انتشارات انقلاب اسلامی
۱۹. تاریخ ایران از دوره باستان تا قرن ۱۸ میلادی (۵ مورخ) پیکولوسکایا، یاکوبوسکی، پتروشفسکی، بلنیتسکی، استرویوا - ترجمه‌ی کریم کشاورز - انتشارات پیام - تهران ۱۳۵۴
۲۰. تاریخ مفصل مشروطیت ایران - عباس اسکندری - انتشارات میخک - تهران ۱۳۶۱
۲۱. مشرق‌زمین گاهواره تمدن - ویل دورانت - ترجمه‌ی دکتر امیرحسین آریان‌پور
۲۲. خاطرات و خطرات - مهدی‌قلی‌خان هدایت (حاج مخبرالسلطنه هدایت) نشر زوار - تهران ۱۳۶۱
۲۳. انقلاب مشروطه ایران - رحیم رضازاده ملک - نشر زوار - تهران ۱۳۷۷
۲۴. تمدن اسلام و عرب - گوستاو، لویون - ترجمه‌ی حضارمپ العرب - انتشارات اسلامیة - به کوشش: سید هاشم حسینی - تهران ۱۳۵۴
۲۵. ایران، کلد، شوش - مادام ژان ویولافوا - ترجمه‌ی = محمدعلی فره‌وشی - به کوشش دکتر بهرام فره‌وشی - انتشارات دانشگاه تهران - ۱۳۶۹
۲۶. سفرنامه‌ی خاطرات کاووش‌های باستان‌شناسی شوش - مادام ژان ویولافوا - ترجمه‌ی ایرج فره‌وشی - دانشگاه تهران ۱۳۶۹